

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدنا معدود. و ثنا و نامحدود. اول حضرتت سزاوار در که هر ذره موجود  
و هر داخل دایره وجود. اول حضرتت وجود نه دلیل قاطع در و منت  
بی قیاس. و شکر و سپاس بشو که جنابه نثار در که ترتیب ممکنات. و نظام  
موجودات. اول جنابت و حدایت ذاته برهان ساطع در سلطان که  
جمیع عالم سلطنته سلطان قائم. بر جانند که هر موجود تبیین قوی  
و دایم. بر ملکد که عالم ملک و ملکوت محکمتد بر خطم. بر بادشاهد که  
صحنه ساری عزتند عرش و سما و ابرقته. بر مبدع در که عدم خزانه  
ابداع در. بر موجود در که یقین و وسیله اختراع در عقل و برین  
افتاد زره کمالنی کوره مز و هم تین بر دامن سراق جلالند ایره من  
سطر خاطر انسانی که هر وقت موجودات سفل و علو شکار مخلب  
و منقارید بر نفس ربوبیتی هو اسند بر آچوب و جم مز و طاووس عقل  
و فکرت آدم که روز شب فضا ملکوت. و صحرای جبر و تده جلوه ایدر.  
بر قدم الوهیتی ساحه سنده سیاحتاده من. عقول مفارقه که لطف مخلوقات  
و اکمل موجودات در لطف و کمالی صفتلر تک احصاکنده متخیر و سهرش  
نفوس ناطقه که وسائط عالم ارواح. و وسائل معالما اشباح در غرت و جلاله کوبید  
فناکنده و آله و مددوس کز و بیون که کائنات سرور و موجوداته مهر که کل  
باکرنده تو نمشدن آنک قوللغز که جان نمیا بغلمشردن و روحانیون که علا  
ارتباط جسمانی و قیود کلیل میولانیده پاک و از آده لودر آنک بر قیاتی طوقی  
وجود لر جیدنه طقمشردن ثواب بخوم. و کواکب رجوم که مناکب مرکب  
افلاک سوار اولمشردن شوکت و عظمت نطعنده برفاچ خوار و صغیر بیآده لودر